

واکاوی جایگاه دانش پزشکی در رده‌بندی علوم اسلامی

محمدابراهیم ذاکر

چکیده

بررسی جایگاه دانش پزشکی در طبقه‌بندی علوم اسلامی نشان‌دهنده ارزش والای این دانش در دیدگاه نظریه‌پردازان و اندیشمندان اسلامی می‌باشد؛ چنان‌چه نگاهی به روند تاریخی آن در پیش از اسلام بیندازیم، خواهیم دید که همواره همه ملت‌ها با هر فرهنگ و تمدن، توجهی ویژه به این دانش داشته‌اند و جایگاهی ویژه در رده‌بندی علوم به آن اختصاص داده‌اند. هدف بنیادین این نوشتار واکاوی فرهنگ‌نامه‌های تدوین شده در دوران شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی تا پایان سده پنجم هجری است که بیش از شش دانشنامه را دربر می‌گیرد. در ضمن نویسنده نیم‌نگاهی به روند دایره‌المعارف‌نویسی در گذر تاریخ داشته است.

واژگان کلیدی

دانش پزشکی؛ علوم اسلامی، بهداشت؛ بیماری؛ تندرستی؛ دارو؛ درمان.

واکاوی جایگاه دانش پزشکی در رده‌بندی علوم اسلامی

فرهنگ‌نامه‌های بسیاری از اندیشمندان خاور زمین به‌ویژه ایرانیان و ایرانی‌تباران در درازای تاریخ کهن ما، در دسترس می‌باشد که گویای توجه به دانش‌خواهی و دانش‌پروری ایرانیان است. گوناگونی فرهنگ‌نامه‌ها در زمینه‌هایی مانند دانش‌های فلسفی، طبیعی، دیوانی، مذهبی و دایرةالمعارف‌های فراگیر همه دانش‌ها، در میان آن‌ها دیده می‌شود که گویای آن است که نویسندگان آن‌ها کوشش داشتند تا شناخت خود را در زمینه هر دانشی، بشناسانند پس بدین‌گونه است که فرهنگ‌نامه‌های گوناگون نوشته شده و در آینده نیز نگاشته خواهد شد.

رده‌بندی دانش پزشکی در دیگر دانش‌های دوران شکوفایی اسلام نیازمند:

۱) شناخت همه دانش‌های آن دوران و رده‌بندی آن‌ها با کمک روش کلاسه‌بندی نوع‌شناسی دایرةالمعارف‌های گوناگون مانند دایرةالمعارف دانش‌های فلسفی، دانش‌های مذهبی، دانش‌های طبیعی، دانش‌های اداری [دیوانی] متشیان و دبیران و دانش‌های پزشکی می‌باشد.

۲) شناسایی اندیشمندانی است که نخستین گام‌ها و گام‌های پسین را در این راه برداشته‌اند؛ سپس باید به دنبال بررسی گروه‌بندی دانش پزشکی در واگویه‌های ایشان باشیم (سارتون، ۱۳۵۳خ، ص ۱۸۵ و مرجبا، ۱۹۸۱م، صص ۴۷-۴۸).

آیین‌های پیش از اسلام و دوران اسلامی

زرتشتیان در اوستا و وندیداد، توجه ویژه‌ای به بهداشت و پیشگیری داشتند. ایشان برخی از قوانین اخلاقی و کیفی در چگونگی برخورد پزشک و بیمار را بازگو کرده‌اند (رضی، ۱۳۸۵خ، بخش‌هایی از فرگرد ۳، ۵، ۷، ۱۶ و ۱۷). یهودیان نیز در تورات و تلمود، چنین قوانینی را به شکل دیگری بازگو نموده‌اند (کهن و

حیدری پور، ۱۳۸۲خ، صص ۲۵۹-۲۷۴). قرآن و کتاب‌های گوناگون روایت و حدیث نیز انباشته از پند و اندرزهایی درباره شیوه‌های پاییدن و نگاهداشت تندرستی و پیاده کردن بهداشت است.^۱

ارسطو علوم را به سه دسته نظری، عملی و فنی [تولیدی، مکانیکی] گروه‌بندی کرده است. ارسطو دانش‌های نظری را دانش‌هایی به‌شمار می‌آورد که هدفشان شناختی برای شناخت هر چیز می‌باشد و آن دربرگیرنده سه جهت وجود است: (۱) وجود مطلق که دربرگیرنده دانش متافیزیک و یا علم اعلی و یا دانش الهیات و یا فلسفه اولی است. (۲) وجودی که دارای اندازه و شماره باشد و آن دانشی است که موضوعش در خارج نیاز به ماده دارد ولی نه در وجود ذهنی آن مانند دانش ریاضیات که به آن علم اوسط گویند. (۳) وجودی که دارای جنبش و احساس باشد و آن دانشی است که موضوع آن در بیرون وجودش نیاز به ماده داشته باشد و یا آن که موضوع آن در وجود منطقی و خارجی به ماده نیاز داشته باشد، مانند هر جسم. این دانش، همان دانش طبیعی و یا علم ادنی و یا علم اسفل است که دربرگیرنده دانش طبیعی، آثار علوی [ستاره‌شناسی]، کون و فساد، گیاه‌شناسی و جانورشناسی و دانش روان‌شناسی می‌باشد و چه بسا برخی علم پزشکی را نیز به آن‌ها پیوند می‌زنند و برخی دیگر دانش کیمیاگری را نیز جزئی از آن به‌شمار می‌آورند؛ ولی بنابر آن چه از فلسفه ارسطویی یونانیان به ما رسیده، این دانش در یونان مورد توجه نبوده و زادگاه و پرورشگاهش جایی دیگر جز یونان بوده است. آیین اسلام در سده هفتم میلادی پا به عرصه جهان گذاشت و در کمتر از یک سده نیمی از جهان را تسخیر کرد و پس از دو سده سکوت، کانون‌های دانشگاهی این سرزمین‌ها را در درون خود متمرکز کرد و با بهره‌بری از تعالیمش به گسترش آن‌ها روی آورد و پرچم‌دار دانش جهانی شد. پیامبر اسلام (ص) با

ارزش‌گذاری ویژه‌ای به دانش پزشکی، جایگاه آن را برتر از دانش آیین‌شناسی برمی‌شمرد. روایت نقل‌شده از پیامبر (ص): «العلم علمان، علم الأبدان و علم الأديان»^۲ ترجمه: دانش دو گونه است: دانش پزشکی و الهیات. گفته دیگر از امیرمؤمنین امام یکم است که فرموده‌اند: «العلوم أربعة، الفقه للأديان، و الطب للأبدان، و النحو للسان، و النجوم لمعرفة الأزمان»^۳ ترجمه: دانش چهار گونه است، فقه برای آیین‌شناسی، پزشکی برای پایید و درمان تن، نحو برای زبان و درست سخن گفتن و ستاره‌شناسی برای شناخت زمان. اکنون به بررسی جایگاه دانش پزشکی در رده‌بندی علوم اسلامی می‌رسیم:

رازی، بوبکر، محمد فرزند زکریا (۲۵۱-۳۱۳ ق.)

یکم: حاوی فی الطب

می‌توان نخستین کتاب دایره‌المعارف گسترده‌نویسی شده در بیش از ۲۵ جلد، کتاب *حاوی فی الطب* را یاد کرد که بخش‌های بنیادین دانش پزشکی را به گستردگی در آن یاد کرده و دانش‌های زیر شاخه‌ی پزشکی را گروه‌بندی نموده است. ابن‌ندیم در کتاب خود *فهرست و یا فوز العلوم* آن را در دوازده بخش می‌شناساند:

- بخش نخست آن در درمان بیماران و شناسایی بیماری‌ها؛
- بخش دوم در پاسداشت و شیوه پاییدن تندرستی؛
- بخش سوم در باره‌ی شُش و شکست‌بندی و زخم‌ها؛
- بخش چهارم در بازگو کردن ارزش و نیروی داروها و خوراکی‌ها و هر چیز و ماده‌ای که در پزشکی به آن نیاز می‌باشد؛
- بخش پنجم درباره‌ی داروهای ترکیبی؛

- بخش ششم درباره هنر پزشکی [صناعة الطب]؛
- بخش هفتم درباره دانش داروسازی و داروشناسی و رنگ و بو و مزه آنها؛
- بخش هشتم در شناخت تن آدمی؛
- بخش نهم درباره اندازه‌ها و وزن‌ها و پیمانها؛
- بخش دهم درباره کالبدشناسی و فیزیولوژی و کارکرد اندامها؛
- بخش یازدهم در باره اسباب و انگیزه‌های طبیعی است که به شناخت آنها در دانش پزشکی نیاز است؛
- بخش دوازدهم پیش‌درآمدی بر دانش پزشکی که آن را در دو گفتار بازگو می‌کند: گفتار نخست آن دربرگیرنده نام‌ها و واژه‌های پزشکی و گفتار دوم آن آغاز و پیش‌درآمدی بر دانش پزشکی کهن [اوائل الطب] است (ابن ندیم، ۱۳۶۶).

شعیا فرزند فریغون (ز. ۳۴۴ق.).

دوم: جوامع‌العلوم

فرهنگ‌نامه‌ای از گونه دیوانی است که آن را برای امیر بوعلی احمد فرزند محمد فرزند مظفر از «آل‌محتاج» (کشته ۳۴۴ق.) امیر چغانیان و فرمانروای بخش شمال رود سیحون، می‌نگارد.

بخش آغاز و انجامه دست‌نوشته اسکوریال گواهی می‌دهد که شعیا از شاگردان بوزید احمد بلخی فرزند زید بوده است (منزوی، ۱۳۷۷ خ، ج ۱، ص ۷۶). وی در آن، پایه‌های بسیاری از دانش‌های دیوانی و فلسفی و شاخه‌های هر کدام از آنها را یاد می‌کند که دانستن آن برای منشیان دربار فرمانروایان آن روزگار بایسته بوده است. با زبان «تازی» زبان علمی رایج آن روزگار را یاد می‌کند.

او از یک سو، بخشی بسیار از کتاب خود را ویژه دانش دبیری و درباری کرده و از سوی دیگر آشکارا از هدف خود در گردآوری فرهنگ‌نامه خویش سخن گفته است؛ از این رو، می‌توان ساختار کتابش را دایره‌المعارفی برپایه دانش‌های دیوانی گذاشت؛ همچنین وی زان‌سوی دیدگاه کاتب خوارزمی می‌کوشد آن‌ها را از دانش‌های فلسفی جدا سازد. او کتاب را به گونه درختی [مشجر] نوشته است و بی‌گمان مباحث کتاب *جوامع‌العلوم* نسبت به *مفاتیح‌العلوم* خوارزمی محدودتر است؛ ولی می‌توان گفت این کتاب نخستین گام در راه نگارش دایره‌المعارف منشی‌گری به‌شمار می‌آید و بیشترین بخش کتاب را دربرمی‌گیرد و گویای آن است اندیشمندان ایران زمین در راستای طبقه‌بندی علوم از خاورنشینان آزموده‌تر و با پیشینه بیشتری بوده‌اند. کتاب در دو مقاله گرد آمده است:

مقاله یکم: ویژه ادبیات عرب، شیوه کتابت و دیوان‌نویسی، ریاضیات و هندسه، شرایع و اخلاق و برخی از بیماری‌های روانی مانند، آز، خشم، ترس، دروغ‌گویی، خودبزرگ‌بینی وابسته به اخلاق است. وی دانش ریاضی و هندسه را در گروه‌بندی خود زیرشاخه دانش‌های نوشتاری به‌شمار می‌آورد.

مقاله دوم: ویژه حرفه‌های درباری و رشته‌های فلسفه عملی است. وی دانش‌های سیاسی را به گستردگی بررسی می‌کند و بیشتر به عملی بودن رشته‌های گوناگون توجه دارد که می‌توان کارهای اداری و مهارت‌های جنگی را بخشی از آن‌ها دانست. همچنین درباره فلسفه نظری مانند اخلاق و اداره خانه و سپس کلام و علم الفاظ و تفسیر و تأویل و فقه و باورهای گوناگون گروه‌های دینی وابسته به آیین اسلام سخن می‌گوید و پس از آن زیرشاخه‌های دانش منطقی، و دانش‌هایی که دارای حقیقت هستند و یا دور از حقیقت‌اند که فریب و نیرنگ و راهی برای سودجویی می‌باشند، سخن می‌گوید. سپس به اخترشناسی، رؤیاخوانی، ریخت‌شناسی،

تدبیر تن، جنبش و آرامش و بازگود کردن زیرشاخه‌های هر کدام، بیماری‌های روان و فاکتورهای هم‌نشینی با دیگران، لذت، چگونگی خوراک و نوشیدنی و زمان‌بندی خوردن آن، شیوه پاییدن دل، زبان و چشم و پیشگویی‌های ستاره‌شناسانه و جادو و طلسم و کیمیاگری می‌پردازد.

گروه اخوان الصفا

سوم: رسائل اخوان الصفا^۴ (۳۵۰ ق.)

دایرةالمعارفی است که دارای ۵۰ رساله^۵ در شناساندن دانش‌های گوناگون می‌باشد.

بخش نخست آن در ریاضیات است و دربرگیرنده چهارده رساله می‌باشد.

بخش دوم آن در طبیعیات است و شانزده رساله می‌باشد که رساله هشتم آن درباره ترکیب انسان سخن می‌گوید. نخست بافت‌های سازنده تن آدمی را از سر آغاز می‌کند و بخش مغزی و نخاعی را می‌شناساند و مغز را جایگاه عقل و یاد و اندیشه به‌شمار می‌آورد؛ سپس از لایه‌های سازنده‌ی چشم و پس از آن درباره تشریح گوش سخن می‌گوید؛ همچنین شمار استخوان‌های هر اندام تن را یاد می‌کند و نیز نیروهای سرشتی هفت‌گانه تن و کاربرد هر کدام را شمارش می‌کند و آن نیروی کششی [جاذبه] است که خوراک را از گلو و مری به معده می‌رساند و پس از گوارش، آن‌ها را به اندام‌ها می‌کشاند؛ نیروی نگاه‌دارنده [ماسکه] خوراک را در معده نگاه می‌دارد تا پیش از گوارش از آن بیرون نرود و یا پیشاب را در پیشابدان نگاه می‌دارد تا در هنگام خواست آدمی بیرون رود؛ سوم نیروی گوارنده [هاضمه]؛ چهارم نیروی مغیره [دگرگون‌کننده]؛ پنجم نیروی راننده [دافعه]؛ ششم نیروی سازنده [مولده]؛ هفتم نیروی خوراک‌رسان [غاذیه]؛ رساله نهم

درباره حسگرهای پنج‌گانه آدمی سخن می‌گوید. رساله دهم جایگاه سلول‌زایی آدمی را بازگو می‌کند. رساله یازدهم سنجش تن آدمی به‌عنوان جهان کوچک با جهان بزرگ است؛ رساله دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم درباره مرگ و هستی پس از مرگ است و رساله پانزدهم درد و لذت است.

ابن‌ندیم، ابوفرّج محمد فرزند اسحاق وراق بغدادی (د. ۳۸۵ ق.).

چهارم: فوزالعلوم

ابن‌ندیم، کتاب خود فهرست یا فوزالعلوم را در ده گفتار [مقاله] گرد می‌آورد که هر کدام آن‌ها دربرگیرنده چندین فن یا رشته است. او در پیشگفتار کتاب می‌گوید: «این کتاب فهرست کتاب‌های کهن از یونان، ایران و هند است که به زبان و خامة عربی نگاشته شده است». کهن‌ترین دست‌نوشته آن در کتابخانه کوپریلی اوغلی نگاهداری می‌شود. فلوگل و مولر آلمانی آن را در دو جلد در سال ۱۸۷۱-۱۸۷۲ م. در لایپزیک چاپ کردند (تهرانی، صص ۳۷۳-۳۷۵، ش ۱۷۲۸).

مقاله هفتم آن در سه فن است که درباره دانش فلسفه و علوم اوایل یا قدیمه می‌باشد: فن یکم درباره زندگی‌نامه فیلسوفان طبیعی‌گرا و منطق‌گراست؛ فن دوم آن درباره مهندسان، ریاضی‌دانان، موسیقی‌شناسان، محاسبان، اخترشناسان و سازندگان وسایل و ابزار آن‌ها است؛ فن سوم درباره چگونگی پیدایش دانش پزشکی و زندگی‌نامه پزشکان کهن به همراه نام کتاب‌هایشان از دوران باستان تا روزگار خودش می‌باشد. ابن‌ندیم در مقاله دهم درباره کیمیاگری و کیمیاگران سخن می‌راند.

او نام و زندگی‌نامه بیش از چهل و پنج پزشک را به همراه نام کتاب‌هایشان بازگو می‌کند. از این رو ما می‌توانیم ابن‌ندیم (د. ۳۸۵ ق.) و محمد کاتب خوارزمی

(د. ۳۸۷ق.) (فهرست اعلام الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ۱۳۷۷خ، ج ۳، ص ۲۰۷۶) را از بنیان‌گذاران آوردن دانش پزشکی در طبقه‌بندی علوم نام ببریم.

بوعبدالله محمد کاتب خوارزمی فرزند احمد فرزند یوسف (د. ۳۸۷ق.)

پنجم: مفاتیح العلوم خوارزمی

بوعبدالله محمد کاتب خوارزمی فرزند احمد فرزند یوسف (د. ۳۸۷ق.) (فهرست اعلام الذریعه، ۱۳۷۷خ، ج ۳، ص ۲۰۷۶) در سال‌های میان ۳۶۳ تا ۳۸۱ دوران خلیفگی طالع‌الله (۳۱۷-۳۹۳ق.)، خلیفه عباسی، این کتاب را برای بوحسین عبیدالله فرزند احمد عتبی عبیدالله فرزند احمد نگاشته است.

او کتاب مفاتیح العلوم خود را در رده‌بندی دانش‌های فقه، و کلام، نحو، دبیری [کتابت=نویسندگی]، شعر، اخبار [تاریخ]، فلسفه، منطق، پزشکی، ریاضیات، هندسه، ستاره‌شناسی، موسیقی، خیال، شیمی [کیمیا] گردآورده است. نخستین بار در شهر لیدن هلند به سال ۱۸۹۵م. چاپ شد (تهرانی، ج ۸، ص ۱۱).

او می‌گوید: این کتاب را مفاتیح العلوم نام نهادم، برای آن که پیش‌درآمد دانش است و برای بیشتر دانش‌ها کلیدی است بایسته، پس هر کس آن را بخواند و مطالب آن را به یاد سپرد سپس در کتاب‌های علمی ژرف نگری نماید، با آن دانش‌ها آشنا خواهد شد و به راز آن‌ها پی خواهد برد، هر چند با آن دانش‌ها بیگانه باشد و با فرهیختگان هم‌نشینی نکرده باشد.

گوید: من این کتاب را در دو مقاله گردآوردم: مقاله نخست آن علوم مذهبی و یا عربی است و مقاله دوم علوم ناعربان است که در آن از تقسیم‌بندی ارسطویی و فارابی در احصاء العلوم پیروی کرده است.

مقاله نخست دربرگیرنده شش باب است: فقه، کلام، نحو، دانش دبیری یا نویسندگی، شعر و عروض، و علم اخبار یا تاریخ است که علوم عربی می‌باشند. مقاله دوم نُه باب است که دربرگیرنده دانش‌های غیرعرب است، یعنی ایرانی و یونانی و دیگر ملت‌ها و آن: تقسیم‌بندی فلسفه، الهیات و منطق می‌باشد و باب سوم تا نهم آن در دانش پزشکی است، و دیگر علم عدد یا ارثماتیکی، هندسه، ستاره‌شناسی، موسیقی، علم حیل و کیمیا باشد.

کاتب خوارزمی جایگاه دانش پزشکی را در باب سوم از مقاله دوم گذاشته است و آن را به هشت فصل بخش‌بندی می‌کند:

فصل یکم: آن را تشریح یا کالبدشکافی نام گذاشته است. نام برخی از رگ‌های جهنده و ناجهنده، پرده‌های میان‌بافتی و لایه‌های چشم، مری، نای، حنجره و نام روده‌ها را در آن یاد کرده است.

فصل دوم: بیماری‌ها و داروها را نام می‌برد که در آن برخی از بیماری‌های چشمی و پوستی و برخی سوزها و دمل‌ها و توده‌های سرطانی، بیماری‌های سر و مغزی، نخاعی و گوش و حلق و بینی و دهانی، آنچه وابسته به قفسه سینه [شش و پرده‌های پیرامون آن] و شکمی [جگر، شکمبه، گرده] و تب‌های گوناگون همراه با گزاره بسیار کم، نام می‌برد. همچنین نام برخی از جانوران زهردار را در این فصل یاد می‌کند.

فصل سوم: خوراکی‌ها؛ وی نام و گزاره اندکی درباره خوراکی‌ها و برخی دانه‌های خوراکی و نام گروهی از میوه‌ها و آبزیان را یاد می‌کند. همچنین برخی خوراکی‌های ساخته شده با ماهی را گزاره می‌کند.

فصل چهارم: گزاره‌ای کوتاه از گروهی داروهای تکی چه گیاهی و یا جانوری و یا کانی را در این فصل گردآورده است.

فصل پنجم: نام‌های دیگر برخی داروهای تکی را بازگو می‌نماید. فصل ششم: نام گروهی از داروهای ترکیبی [ایاره، پختنی، حب، مکیدنی، قرص، گوارشن، مالیدنی، گذاشتنی، روغن]، شربت [شراب‌ها]، افشره‌های جوشانیده [رب]، مربا، پادزهر، سرشته، تنقیه، شیاف [سرمه]، مرهم، دهانشویه، آرایشی زنان و یا مردان، داروهای شستشوی زخم‌ها، جوشانده‌ها، چکابه‌ها، داروهای به بینی کشیدنی با گزاره‌ی اندکی یاد می‌کند.

فصل هفتم: وزن‌ها و پیمانه‌هایی که با آن داروهای تکی و ترکیبی را می‌سنجند تا دواژ درست درمان یک بیماری را برای بیمار به دست آورند؛ مانند وقیه، قسط، مثقال، قنطار، کوز، قوطیل، ایطالیقوس، سکوره [سکرجه=اسکرجه]، کف، طولون، جوزه، درخمی، قیراط.

فصل هشتم: نوادر اصطلاحات پزشکی است که برخی از آن‌ها همچون آمیزه‌های نُه‌گانه، کیموس و کیلوس، بحران، شافه، و علاج می‌باشد.

مفاتیح العلوم را می‌توان نمونه آشکاری از نخستین دایره‌المعارف اسلامی فراگیر یاد کرد؛ زیرا ساختار کتاب به گونه‌ای است دانش‌های اسلامی را از یونانی جدا کرده است و از آن جا که نیاز است افزون بر دانش‌هایی دینی، دانش‌های غیر مذهبی نیز آورده شود، وی همگی را یکی پس از دیگری به بررسی می‌گذارد و از یک ساختار دوگانه‌ای بهره می‌برد که پایه‌های آن را فارابی (۲۶۰-۳۳۹ق.) در *احصاء العلوم* پایه‌گذاری می‌کند تا راهگشایی برای نگاشته‌شدن فرهنگ‌نامه‌های راستین و درخور این ویژگی در آینده شود.

شیخ رئیس پور سینا، بوعلی حسین فرزند عبدالله فرزند سینا بخارایی
(۳۷۰-۴۲۸ق.ه) (فهرس اعلام الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۱۳۷۷خ، ج ۲، ص ۱۰۳۳)

ششم: شفا

کتاب شفا^۷، مهم‌ترین و ارزشمندترین و گسترده‌ترین نگاهشده شیخ رئیس پورسینا به زبان تازی است. این کتاب دایره‌المعارفی بزرگ در راستای کلاسه‌بندی و شناساندن دانش‌ها می‌باشد. پورسینا در جلد نخست آن دانش‌های الهیات را رده‌بندی و به گونه‌ای گسترده هر کدامشان را گزاره کرده است، سپس چهار جلد آن را به گزاره دانش منطق و زیر شاخه‌های آن گذاشته است. دو جلد دیگر آن گزاره دانش‌های پیوست ریاضیات می‌باشد و سه جلد دیگر آن گزاره دانش‌های پیوند خورده با دانش طبیعی است. وی نگارش بخش طبیعی آن را در روزگار شمس‌الدوله امیر بویه دیلمی آغاز کرد و پس از درگذشت او در ۴۱۴ق. به پایان رسانید.

او بخش طبیعی کتاب شفا را در هشت فن نهاد که دربرگیرنده سماع طبیعی در چهار مقاله، آسمان و جهان در یک مقاله، هستی و تباهی [کون و فساد] در یک مقاله، کنش‌ها و واکنش‌ها در دو مقاله و فن هشتم، سرشت جانوری در نوزده مقاله است.

ناگزیر بخش وابسته به پزشکی کتاب شفای پورسینا به گستردگی در اینجا یاد می‌شود تا شیوه دسته‌بندی رشته‌های گوناگون دانش پزشکی در رده‌بندی دیگر دانش‌های آن روز نمایان شود.

مقاله‌های یکم تا هشتم: درباره گزینش جا، خوراک و خوی و رفتار جانوران، فیزیولوژی و کالبدشناسی اندام‌ها، روش بارداری و زایش، خواب و بیداری، کنش و واکنش‌ها، حس و حرکت ایشان می‌باشد؛ همچنین کالبدشناسی و زاد و ولد

آبزیان و نیز برخی بیماری‌های جانوران و اختلاف‌هایی که میانشان دیده می‌شود، را بازگو می‌نماید. علاوه بر آن درباره زنبوران و گوناگونی آن‌ها و درباره ددان و درندگان و جانوران آبی و پروازی سخن می‌گوید.

مقاله نهم تا یازدهم: درباره آب نرینه و مادینه، خون ماهانه، چگونگی بارداری و پیدایش رویان، زایش، نوزاد، زائو و نیز چگونگی نگاه‌داری رویان و یا افتادن آن پیش از زایمان به هنگام است.

مقاله دوازدهم: درباره آمیزه‌های^۱ هر اندام و آمیزه هر سن (نوجوانی یا بالندگی) که تا سی سالگی است؛ سپس سن ایستایی که همان جوانی می‌باشد و آن تا سی و پنج و یا چهل سالگی است و پس از آن سن سرایشی است که در آن نیرو پایدار و پابرجا است و این سن میانسالی می‌باشد که تا شصت سالگی ادامه می‌یابد. در پایان سن سرایشی همراه با فروافتادن نیروست که سن پیران می‌باشد و پیوسته تا آخر عمر دنبال می‌گردد؛ همچنین چگونگی دگرگون شدن خوراک به آمیختگی^۲ و گونه‌های آمیختگی و نیز درباره نموری‌ها^۱ و مغز و مغز استخوان و فیزیولوژی کالبدشناسانه مغز و رستن نخاع از آن و پی‌ها و نخاع درون ستون مهره‌ها است. همچنین درباره استخوان‌شناسی استخوان‌های سر و شیوه چسبیدن آن‌ها به یکدیگر و کالبدشناسی دستگاه بینایی و ماهیچه‌های آن؛ سپس شنوایی، بویایی و چشایی و کالبدشناسی چگونگی جنبش ماهیچه‌های سر می‌باشد.

مقاله سیزدهم: درباره دندان‌ها و دهان و اندام‌های درونی و سیستم تنفسی و نای و حنجره و شش است و نیز کالبدشناسی دل و رستگاه سرخ‌رگ‌ها از آن و بررسی راه خوراک از دهان به مری و معده و روده‌ها و پرده‌های پوشاننده آن‌ها و ماهیچه‌های جنباننده سوراخ نشمنیگاه؛ همچنین وی بخشی را ویژه روده‌ها و بخشی دیگر درباره فیزیولوژی و کالبدشناسی جگر و سیاه‌رگ‌های برخاسته از آن

گذاشته است و نیز به دنبال آن درباره کیسه زردابی [زهره] و پیشابدان و فزونی‌های [پیشاب] که به درون آن سرازیر می‌شود، سخن می‌گوید.

مقاله چهاردهم: فیزیولوژی گرده^{۱۱} و کالبدشناسی استخوان‌های ترقوه، شانه، دست، کمر، گردن و ستون مهره‌های گردنی، کمر، سینه، دنده‌ها، پا، آرواره، گونه، لب و ماهیچه‌های جنباننده این اندام‌ها می‌باشد.

مقاله پانزدهم تا هفدهم: درباره دامپزشکی است که به بررسی چگونگی پیدایش و زاد و ولد جانوران و نر و ماده شدن آن‌ها می‌پردازد.

مقاله هیجدهم: درباره انگیزه‌های نر و یا ماده شدن جاندار می‌باشد.

مقاله نوزدهم: پراکنده‌گویی‌هایی درباره آدمیان است.

نتیجه

بخش‌بندی دانش‌ها ره‌آوردی از اندیشمندان بزرگ جهان است که دانشمندان اسلامی به ویژه ایرانی در این زمینه به گستردگی قلم‌فرسایی کرده‌اند. ایشان دانشنامه‌هایی بسیار به زبان پارسی^{۱۲} و زبان عربی^{۱۳} نگاشتند و راه را برای پژوهش و گسترده‌نویسی نسل‌های پس از خود هموار ساختند. ایشان به پیروی از بزرگان دین اسلام، دانش پزشکی را ارزشمندتر و برتر از دیگر دانش‌ها به شمار آورده‌اند و در تقسیم‌بندی علوم جایگاهی ویژه برایش در نظر گرفته‌اند و به آن توجهی ویژه داشته‌اند. از این رو می‌توان ایرانیان را پیشرو در پدیدآوردن دانشنامه‌های گسترده‌نویسی شده به شمار آورد. ایشان از یک سو به جهت داشتن دیرینه تمدن پنج هزار ساله شهر سوخته نزدیک زابل - استان سیستان و بلوچستان و دانشگاه فراملیتی گندی‌شاپور، و از سوی دیگر ارزش‌گذاری ویژه آیین اسلام به دانش پزشکی، جایگاه برتر آن را در میان دیگر دانش‌ها به خوبی در دانشنامه‌نویسی دانشنامه‌تویسی آشکار نموده‌اند؛ بنابراین، می‌توان گفت: اکنون که دانشکده پزشکی کهن و سنتی بازگشایی شده است و پژوهشگران جوانی با شور و دلبستگی فراوان به پژوهش تاریخ پزشکی و بررسی نظام‌نامه آن پرداخته‌اند، این کار کوچک را به گستردگی بازنویسی کنند و این بخش تاریخی را بیشتر واکاوی نمایند و ناشناخته‌های آن را بازبینی کنند؛ زیرا، تاریخ هر دانش نیازمند بررسی جایگاهش در تمدن و فرهنگ هر ملتی است که چگونه نگاهی به زیر شاخه‌های دانش پزشکی دارد که دربرگیرنده: تندرستی و پاییدن آن و بیماری‌ها و تشخیص آن‌ها و درمان هر یک و بخش گسترده‌ی کاردپزشکی و خونگیری و باد گذاشتن است.

زیرشاخه‌ی دیگر آن که دانش داروسازی و داروشناسی است: درباره‌ی داروهای تکی با ریشه‌ی جانوری و گیاهی و کانی است و با واکاوی نام‌گذاری‌های پارسی و یونانی و هندی و چینی و عربی آن‌ها و شیوه‌های گوناگون به دست آوردنشان است که چنانچه گیاهی باشند چه بخش‌هایی از هر گیاه و یا از جانوران و یا از کانی‌ها کاربرد دارویی دارند؟ و ارزش هر بخش کدامست؟ و چگونگی انبار کردن آن‌ها. هم‌چنین شیوه‌ی ساخت و نگاه‌داری داروهای ترکیبی دربرگیرنده‌ی: سرشته‌ها؛ گردها؛ مرهم‌ها و داروهای مالیدنی، و ریختنی، و گذاشتنی بر روی اندام و آلاینده‌ها؛ بخورها، لیسیدنی‌ها؛ به بینی کشیدنی‌ها، کمپرس‌ها؛ دندانشویه‌ها؛ دهانشویه‌ها؛ گوارشن‌ها.

هم‌چنین درباره‌ی دانش دنداپزشکی که زیر گروه دیگری از دانش پزشکی است و بیشتر در کتاب‌های گسترده‌نویسی شده و یا بندرت به تنهایی نگاشته شده آمده است. نمونه‌ی آن کتاب‌های جداگانه‌نوسی درباره‌ی بهداشت دهان و دندان است به نام «کتاب فی السواک و السنونات» مسواک و دهانشویه‌ها از آن یوحنا فرزند ماسویه (د. ۲۴۳ق.) می‌باشد که گویا اکنون این دست‌نوشته در جایی یافت نمی‌شود (عیون، ج ۲، ص ۱۳۶) و یا مقاله‌ی *فی حفظ الاسنان و استصلاحها* از حنین فرزند اسحاق عبادی (۱۹۴-۲۶۴ق) و نیز قسطا فرزند لوقا (سده‌ی سوم هجرت) کتابی درباره‌ی کندی دندان‌ها دارد. هم‌چنین بخشی از کتاب‌های *فردوس الحکمه* علی فرزند ربن سهل تبری (ز ۲۳۶ق) و بیش از دوسوم کتاب *سوم حاوی رازی و معالجات البقراطیه* بوحسن تبری (ز. ۳۴۷ق.) و *کامل الصناعه علی اهوازی* (ز. ۳۷۸ق.) و *قانون پورسینا* (۳۷۰-۴۲۷ق.) است.

همچنین دهها کتاب جداگانه‌نویسی شده درباره‌ی زیرگروه دیگری از دانش پزشکی که همان دام‌پزشکی و جانوردرمانی و نگاه‌داری جانوران گوناگون است.^{۱۴}

همچنین زیرشاخه‌های دیگر دانش پزشکی دربرگیرنده‌ی: دانش احکام نجوم که پیشگویی‌های ستاره‌شناسانه است و برخی وردها و دعاها و جادو و جنبل و شناسایی بخت و اقبال و خوشبختی و بدبختی از روی استخوان شانه، رؤیاخوانی، ریخت‌شناسی، طلسم و کیمیاگری می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- بنگرید به: محاسن برقی، بوجعفر احمد فرزند محمد فرزند محمد فرزند خالد برقی (د ۲۸۰ یا ۲۷۴ق.)، پژوهش جلال‌الدین حسینی محدث، بخش هشتم کتاب المآکل، چاپ تهران، ۱۳۲۷خ.
- ۲- کنز الفوائد، ۲۳۹، بحارالانوار، ج ۱، ۲۲۰، حدیث ۵۲.
- ۳- طب الاثمه، ۳، کنز الفوائد، ۲۴۰، معدن الجواهر، ۴۰، بحارالانوار، ج ۱، ۲۱۸، حدیث ۴۲.
- ۴- صاحب الذریعه گوید: خلیفه چلبی در کشف الظنون آن را رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا نامیده است. همچنین یوحیان توحیدی نام برخی از ایشان را چنین آورد: بوخیر زید فرزند رفاعه هاشمی و بوسلیمان محمد فرزند معشر [نصر] بیستی معروف به مقدسی و بوحسن علی فرزند هارون زنجانی و بوامد مهرجانی [نهرجوری] و عوفی هستند. ایشان رساله‌های خود را در نیمه‌ی سده‌ی چهارم نوشتند. ایشان همه‌ی بخش‌های فلسفه نظری و عملی آن را همراه با یک فهرست در پنجاه رساله گردآوردند و نام رسائل اخوان الصفا بر آن نهادند و نام‌های خود را در آن نوشتند و آن را با مطالب دینی و شرعی آمیختند و من آن‌ها را به آموزگارم محمد فرزند بهرام، بوسلیمان منطقی سجستانی نشان دادم و وی درباره‌ی آن‌ها گفت: ایشان می‌خواستند شریعت را با فلسفه پیوند دهند؛ ولی نتوانستند (ذریعه، ج ۱، ۳۸۳، شماره ۱۹۸۰).
- ۵- فهرست خود کتاب، صفحه ۲-۳، آن را ۵۰ رساله یاد می‌کند، ولی در صفحه ۹۲، آن را ۵۱ رساله می‌داند و دایرةالمعارف فارسی آن را ۵۴ رساله شمارش می‌کند، ص ۱۰۸۰ شمارش رساله‌ها را ۵۰ تا شمارش می‌کند.
- ۶- وزیر خاندان سامانی، امیر نوح دوم فرزند منصور فرزند نوح فرزند نصر میان سال‌های ۳۶۵ تا زمان کشته‌شدنش نزدیک به ۳۷۱ق. می‌باشد (مفاتیح‌العلوم صفحه ۵ پانزدهم از حبیب‌السیر جزو ۴، جلد دوم، ۱۳). او منشی دربار نوح دوم سامانی است.
- ۷- دست‌نوشته زرکاری شده و کامل آن که یگانه است در تهران نزد محمد مشکات است. دست‌نوشته دیگری به خامه تقی‌الدین حسین کاشانی نزد محمد محیط در تهران است (ذریعه، ج ۱۴، ۲۰۱، ش ۲۱۸۳).
- ۸- آمیزه: مزاج.
- ۹- آمیختگی: خلط.
- ۱۰- نموری‌ها: رطوبات.
- ۱۱- گرده: کلیه.
- ۱۲- [بنگرید به: دایرةالمعارف‌های فارسی، ژبوا وسل، برگردان، محمدعلی امیرمعزی و ذریعه و دیگر کتاب‌های فهرست]
- ۱۳- [بنگرید به: ذریعه و هدایة العارفین و کشف الظنون و دیگر کتاب‌های فهرست]
- ۱۴- [بنگرید به: کتاب سوم تاریخ نگارش‌ها، فواد سزگین، بخش دانش جانورشناسی].

فهرست منابع

- ابن سبور زیات. (۱۳۶۳). طب الاثمه. قم: انتشارات رضی.
- ابن سینا، حسین. (۱۴۰۶ ق.). شفاء، طبیعات. پژوهش دکتر ابراهیم مدکور. قم: کتابخانه مرعشی.
- ابن فریعون. (۱۹۸۵ م. / ۱۴۰۵ ق.). جوامع العلوم. چاپ عکسی فرانکفورت. آلمان به وسیله فواد سزگین. از روی نسخه کتابخانه‌ی احمد ثالث. استانبول: شماره‌ی ۲۷۶۸.
- اخوان الصفا. (۱۸۸۴ م.). رسائل اخوان الصفا. رونویس کننده محمدعلی کشکول فرزند محمد اسماعیل شیرازی. هند.
- ابن ندیم. (۱۳۶۶). فهرست یا فوزالعلوم. برگردان محمدرضا تجدد. تهران: امیرکبیر.
- اخوان الصفا. (۱۸۸۴ م. / ۱۳۰۱ ق.). مجمل الحکمه. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران، ۱۳۷۵ خ. مجمل الحکمه. برگردان رسایل اخوان الصفا. به کوشش محمد ملک‌الکتاب شیرازی. بمبئی: چاپ سنگی.
- اهوازی، علی. (۱۹۹۶ م. / ۱۴۱۷ ق.). کامل الصناعة الطبیه. آلمان: چاپ فرانکفورت.
- برقی، یوجعفر احمد فرزند محمد فرزند محمد فرزند خالد برقی. (د ۲۸۰ یا ۲۷۴ ق.). محاسن. پژوهش جلال‌الدین حسینی (محدث). چاپ تهران. ۱۳۲۷ خ.
- تهرانی. آقا بزرگ. (۱۲۵۵-۱۳۴۸ خ.). طریقات الی تصانیف الشیعه. بیست و شش جلد و یا بیست و نه مجلد [جلد نهم (دیوان‌ها) چهار مجلد است]. چاپ نجف و تهران. از ۱۳۵۵ تا ۱۴۰۶ ق.. به کوشش دکتر علی‌نقی و استاد احمد منزوی فرزندان صاحب الذریعه.
- تهرانی. آقا بزرگ. (از ۱۲۵۵ تا ۱۳۴۸ خ.). طبقات اعلام الشیعه. از سده چهارم تا چهاردهم. به کوشش دکتر علی‌نقی منزوی. نجف - عراق و دارالکتب العربی. بیروت. لبنان ۱۹۷۱-۱۹۷۵ م. و تهران.
- جورج سارتون. (۱۳۵۳ خ.). مقدمه بر تاریخ علم. برگردان دکتر غلام‌حسین صدری افشار. انتشارات دفتر ترویج علوم. وزارت علوم و آموزش عالی. تهران.
- چلبی، مصطفی فرزند عبدالله، حاجی خلیفه، کاتب. (۱۰۱۷-۱۰۶۷ ق.). کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون. پژوهش محمد شرف‌الدین یالتقا و معلم رفعت بیلگه کلیسی. استانبول. ترکیه. ۱۹۴۱ م. / ۱۳۶۰ ق.
- ذاکر، محمد ابراهیم. (۱۳۸۹ خ.). جستاری در تاریخ و فلسفه پزشکی اسلامی. مقدمه دکتر قاسم‌لو. مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. تهران.
- راب، دکتر، اه کهن - امیرحسین حیدری‌پور. (۱۳۸۲ خ.). گنجینه از تلمود. انتشارات اساطیر.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۵ خ.). ونیداد. انتشارات بهجت.
- ژیوا وسل، دایرة‌المعارف‌های فارسی، برگردان محمدعلی امیرمعزی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۸ خ.
- فراهیدی، خلیل فرزند احمد. (۱۴۰۸ ق. / ۱۹۸۸ م.). کتاب العین. پژوهش دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرای. مؤسسه اعلمی. بیروت: لبنان.
- قشقی. (۱۳۴۷). تاریخ الحکماء. برگرداننده ناشناس. به کوشش دکتر بهین دارایی. انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتب خوارزمی، بوعبدالله محمد. (۱۳۶۲ خ.). مفاتیح العلوم. برگردان حسین خدیو‌جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی چ دوم.

کراچکی، بفتح. (۱۳۹۴ق.). *معادن الجواهر*. پژوهش احمد حسین. چاپ دوم. قم: چاپخانه‌ی مهر.
کراچکی، بفتح. (۱۴۱۰ق.). *کنز الفوائد*. قم: انتشارات مصطفوی.
کلینی، بوجعفر محمد فرزند یعقوب فرزند اسحاق کلینی رازی. (د۳۲۹ق.). *فروع کافی*. بیش از نیمی از کتاب ششم آن. پژوهش علی‌اکبر غفاری. دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۷۹ق.
مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۵). *بحار الانوار*. چاپ دوم. کتاب ۶۱. دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۸۷ق.. کتاب ۶۶ بحار.
مرحبا، محمد عبدالرحمان. (۱۹۸۱م.). *موجز فی تاریخ العلوم العرب عند العرب*. چاپ سوم. دار الکتب اللبنانی. بیروت.
منزوی، علی‌نقی. (۱۴۱۹ق./۱۹۹۸م.). *فهرس أعلام الذریعة الی تصانیف الشیعه*. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۷خ.

یادداشت شناسه مؤلف

محمد ابراهیم ذاکر، دندانپزشک و پژوهشگر گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، - پژوهشگر مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

نشانی الکترونیکی: ebrahim_zaker@yahoo.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۸